

فلاخان

روزگار سپری شدی آزاده نامداری

بهاران رستمی

فلاخن

شماره ۸۱

روزگار سپری شدی
آزاده نامداری

بهاران رستمی

منابع

آزاده نامداری، مجری مشهور تلویزیون در چند سال اخیر دو بار در صدر اخبار شبکه‌های مجازی قرار گرفته است. بار اول زمانی که با انتشار عکسی از خودش با چشمی کیبودشده افشا کرد که همسر سابقش، فرزاد حسنی، که او هم مجری معروف تلویزیون است، او را کتک زده و بار دوم زمانی که همین چند روز پیش عکسی از او در سفر به کشوری اروپایی بدون حجاب در شبکه‌های مجازی منتشر شد. در مورد اول گفتمان فمینیسم غالب، که تبحر بالایی در تقلید «زن» به بیولوژی و اندام جنسی دارد، با راه‌اندازی کمپینی مجازی ماجرا را به خشونت تاریخی مردان ستمگر به زنان مظلوم فرو کاست و در حمایت از آزاده نامداری به میدان آمد تا فرزاد حسنی به سزای اعمالش برسد و چنان که هر گفتار غالبی چنین می‌کند هر صدای متفاوتی را به حاشیه راند یا درون خودش ادغام کرد. این اما همه‌ی ماجرا نبود. آزاده نامداری و فرزاد حسنی تنها دو مجری تلویزیون نبودند که حالا دست بر قضا در موردی از خشونت خانگی یکی از آنها مورد خشونت دیگری قرار گرفته است، بلکه فراتر از این آنها طی چند سال به عنوان الگوی خانواده‌ی موفق اسلامی از اصلی‌ترین رسانه‌ی کشور ترویج می‌شدند. آنها حتا موفق شده بودند از خط قرمزهای مرسوم صداوسیما جمهوری اسلامی عبور کنند و در مقابل دوربین و میلیون‌ها تماشاگر تلویزیون به اصطلاح عامه با هم «لاس» بزنند. آنها بنا بود نشان دهند که زن عفیف و پاک‌دامنی که تمام تلاشش جلب رضایت «شوهر»ش است و شوهر آقامنش و خانواده‌دوستی که به نیازهای «زن»ش توجه می‌کند،

افسانه نیست و چنین خانواده‌یی در درون همین روابط مدرنِ حاکم بر شهر تهران، با تمام لایه‌بندی‌ها و پیچیدگی‌های سرسام‌آور آن، امکان وجود دارد.

چشم کبود آزاده نامداری بیش از هر چیز رسوایی چنین روایت مسلطی بود. آن چیزی که چشم کبود نامداری افشا کرد نه تنها خشونت تاریخی مردان به زنان بلکه فروپاشی «خانواده» به روایت رسمی بود. در این موقعیت، نامداری فقط قربانی روابط ستمگرانه‌ی مردسالار حاکم بر جامعه نبود بلکه بیش از آن قربانی شکلی از زندگی بود که خودش از مروجان اصلی آن در رسانه‌ی «ملی» محسوب می‌شد و کتک خوردن زن از شوهرش بخش تفکیک‌ناپذیری از آن به شمار می‌آمد. همان خانواده‌ی مقدسی که از دروس آموزشی دوران ابتدایی به عنوان «اولین سلول اجتماعی» و بنیان جامعه آموزش داده می‌شد و البته تازه روایت خاصی از همین خانواده‌ی مقدس: خانواده‌ی هترورماتیو و دگرجنس‌گرا، با تقسیم کار جنسیتی شامل مردان نان‌آور و زنان آشپز و نظافت‌چی که حتمن و بدون لحظه‌یی تردید عمل تولید مثل هم در آن انجام شده بود.

بوی الرحمن این «خانواده» اما حتا پیش از کبودی چشم آزاده نامداری هم بلند شده بود. این شکل از خانواده نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه حتا در شهرستان‌ها هم سال‌هاست که فرو پاشیده، هرچند در شهرستان‌های کوچک هنوز اشکال جایگزین آن مرئی نشده است. افزایش سالانه‌ی آمار طلاق که همواره موجب نگرانی مسئولان می‌شود و با استناد به آن نسبت به فروپاشی هنجارهای اجتماعی هشدار می‌دهند، به خودی خود نشان می‌دهد ساختار فرسوده‌ی آن خانواده‌ی سنتیِ مقبول حکومت ایران و حتا اشکال مدرن‌تری از آن هم دیگر توان مقاومت در برابر اشکال جدید زندگی و روابط را ندارد. جمهوری اسلامی به کمک آزاده نامداری و فرزند حسنی تلاش می‌کرد چیزی را ترویج کند که پیش از آن به پایان رسیده بود. ادامه‌ی منطقی شوی نامداری/ حسنی در مقابل دوربین در حوزه‌ی عمومی شکل گرفتن کانال تلگرامی‌ای بود به نام «خانم‌های قری- همسران موفق» که نزدیک به بیست و هفت هزار عضو دارد و البته به سرعت تکثیر هم شده و کانال‌های مشابه آن هم شکل گرفته است. در این کانال تلگرامی به زنان آموزش داده می‌شود چگونه رضایت شوهر خودشان را جلب و از کیان خانواده دفاع کنند. پوشیدن لباس زیر و لباس خواب‌های سکسی، پختن و تزئین غذا، تزئین اتاق خواب، استقبال از شوهرانی که از سر کار یا ماموریت‌ها و سفرهای کاری به خانه بازمی‌گردند، جشن گرفتن ماهگرد و سالگرد و تولد شوهر و مادرشوهر و پدرشوهر، خریدن هدیه و تزئین آن و چیزهایی از این دست. در واقع زنان عضو این کانال هیچ دل‌مشغولی

دیگری غیر از جلب رضایت «آقایی» ندارند، «آقایی» لقب محبوبی است که اکثر زنان فعال در این کانال به همسرانشان داده‌اند. آنها موفقیت‌هایشان را هم البته به همدیگر اطلاع می‌دهند، از جمله این‌که بعد از چند سال ممارست در ارسال پیام‌های عاشقانه سرانجام «آقایی» واکنش نشان داده است. چنین به نظر می‌رسد که این کانال و موارد مشابه آن تلاشی بیهوده برای تحکیم آن چیزی است که بیرون از فضای امن «خانه‌ها»، و حتا در میان همین خانواده‌های موفق و خانم‌های قری، در حال فروپاشی است. وجود چنین کانالی به شکلی متناقض‌نما آشکار می‌کند که چیزی در خطر است و کیان خانواده به دست نیروهای ناشناخته بحرانی شده است.

در کنار این البته باید به کانال تلگرامی «ویژه‌ی متاهلین» هم اشاره کرد که حتا وابستگی آشکارش به «افسران جنگ نرم» و «ارتش سایبری» را آشکار می‌کند. بخشی از بودجه‌ی امنیتی حکومت ایران هزینه می‌شود تا افسران جنگ نرم به مخاطبان‌شان آموزش بدهند که چگونه با همسرانشان سکس کنند تا نارضایتی آنها موجب از هم پاشیدن خانواده نباشد. ماهیت سیاسی-ایدئولوژیک خانواده در این کانال آنگاه آشکار می‌شود که در کنار آموزش دخول و سکس دهانی و جلق مناسب، با انتشار احادیث و روایات و مقالات شبه‌علمی تلاش می‌کند ازدواج را تشویق و ضرورت تشکیل خانواده را اثبات کند.

مشکل اما از جای دیگری است. تلویزیون ایران، سینمای ایران و ایدئولوژی حاکم در مورد خانواده از چیزی که در جامعه‌ی ایران جریان دارد، عقب‌تر است. بیهوده نیست که به رغم تلاش‌های پر خرج حکومت ایران و یاران او در بخش خصوصی که با تولید سریال‌های پر هزینه‌ی مانند «عاشقانه» و «شهرزاد» تلاش می‌کنند هم‌چنان مخاطب را با ملودرام‌های خانوادگی سرگرم کنند، سریال‌های دوبله شده در شبکه‌ی «جم» و «فارسی‌وان» از محبوبیت بیشتری در میان عامه‌ی مردم برخوردار است. کسانی که این سریال‌ها را می‌بینند به خوبی می‌دانند زنان و مردان «خائن» سریال‌های جم و فارسی‌وان بیشتر به زندگی واقعی آنان و دوستان‌شان شبیهند تا زنان و مردان وفادار و سربه‌راه سریال‌های ایرانی با آن صحنه‌های عاشقانه‌ی تهوع‌برانگیز و مصنوعی شعرخوانی فرهاد و شهرزاد که بسیار شبیه اسام‌های عاشقانه‌ی کانال «خانم‌های قری» است. در واقع برخلاف ادعای سراپا ایدئولوژیک وابستگان به حکومت در مورد ترویج «بی‌بندوباری» توسط شبکه‌های ماهواره‌ی، محبوبیت این شبکه‌ها به دلیل بازنمایی واقعی‌تر «بی‌بندوباری» موجود در جامعه‌ی ایرانی است.

بی‌بندوباری البته نام پلیسی-امنیتی انواع روابطی است که یا در ساختار ایدئولوژی حاکم تعریف

نشده‌اند و یا در وضعیتی متناقض ایدئولوژی حاکم مسبب شکل گرفتن آنها بوده است. به همین دلیل است که پدیده‌ی «ازدواج سفید»، که نام رسمی زندگی مشترک بدون عقد و ازدواج رسمی است، و به ویژه در شهرهای بزرگ در حال گسترش است از سوی جامعه‌شناسان حکومتی، از جمله جامعه‌شناسان اصلاح‌طلب، به عنوان شکلی از «بحران» بازشناسایی می‌شود. به این البته باید اضافه کرد انواع روابط موجود خارج از ازدواج مانند روابط مبتنی بر سکس، رابطه‌ی باز،^۱ سکس آزاد، زندگی همجنسگرایان و جامعه‌ی کوئیر و ال‌جی‌بی‌تی را که نهادهای ایدئولوژیک حاکمیت حتا از بردن نام آنها هراس دارند.

به آزاده نامداری بازگردیم و دومین باری که توجه شبکه‌های مجازی را جلب کرده است. پس از ماجرای چشم کبود، تلاش بی‌وقفه‌ی فمینیست‌های لیبرال به بار نشست و آزاده نامداری با پیوستن به پروژه‌ی آپارات^۲ ساخت برنامه‌یی به نام «آبان» را «برای زنان ایران» آغاز کرد. او در این برنامه با ستاره‌های زن ورزش و سینما، زنان فعال سیاسی و البته زنان طراح مد و لباس در مورد زن بودن و تجربه‌ی آنها به عنوان یک زن گفت‌وگو می‌کرد. شما در این مجموعه برنامه می‌توانید حرف‌های عجیبی بشنوید. برای مثال بشنوید آنا نعمتی از این بگوید که زنان در سینما خودشان اجازه می‌دهند از آنها «سواستفاده» شود، یکتا ناصر از این بگوید که بچه‌دار شدن چگونه باعث می‌شود کانون خانواده تحکیم شود و فاطمه دانشور از این بگوید که دختران «ما» تنها اعتماد به نفس کافی را ندارند تا بتوانند به «کارآفرین» (همان نام تقلبی حکومت ساخته برای سرمایه‌دار) تبدیل شوند و «کارآفرین» شدن نیازی به ثروت ندارد بلکه امری ذاتی است و کسانی هم هستند که باید کارگر شوند. مشکل اما اینها نیست. مشکل اصلی آنجایی است که مجری برنامه توان و انگیزه‌ی این را ندارد که بخواهد در مقابل چنین ترهاتی بایستد و روشن کند که این «ستاره‌ها» تا چه اندازه پوچ و تهی‌اند. نامداری حتا آنگاه که زنان مدعو او، با سطحی‌ترین استدلال‌ها از چارچوب زن عرفی بیرون می‌زنند بلافاصله از پایگاه سنت به آنها معترض می‌شود: از مونا برزویی می‌خواهد که حجابش را رعایت کند تا بتواند مجوز بگیرد و از چیستا یثربی می‌خواهد ویژگی‌های زنانه داشته باشد و یک مقدار «لیدی»^۳ رفتار کند.

آزاده نامداری البته در تمام این مدت همان چهره‌یی از «زن مستقل» است که نهادهای حکومت ایران می‌خواهند آن را ترویج کنند. زنی که از همسرش جدا شده و خشونت او را در انظار عمومی افشا کرده اما به سرعت و با فاصله‌ی کوتاهی بعد از جدایی دوباره ازدواج می‌کند و بچه‌دار می‌شود تا خللی به

۱- Open relationship

۲- برای آشنایی با پروژه‌ی آپارات می‌توانید برنامه‌ی اول رادیو هیچ‌کیدز را در این آدرس بشنوید <http://manjanigh.com/?p=2112>

۳- Lady

کیان مقدس خانواده وارد نشود. همان زنی که در جامعه حضور دارد و مجری برنامه‌های گفت‌وگومحور پُر حاشیه است اما به چادری بودن افتخار می‌کند تا ثابت شود که «حجاب» محدودیت نیست بلکه «مصونیت» است.

او تصویری تمام عیار از زن به روایت ایدئولوژیک حکومت اسلامی است. شاید به واسطه‌ی همین است که وقتی عکس‌های بی‌حجاب او از پارکی در سوییس منتشر می‌شود، کسی سکوت نمی‌کند. تمام چهره‌های سلحشور ایران اسلامی ردیف شده‌اند تا از الگوی شکسته‌ی زن ایرانی/ اسلامی دفاع کنند. از روزنامه‌نگاران قلم‌به‌مزد جریان اعتدال مانند مرضیه رسولی تا چهره‌های سیاسی این جریان که مشغول حفظ فضای اعتدال در توئیترند نظیر عبدالله رمضان‌زاده بگذریم، هنرپیشه‌ها و مجری‌های سینما و تلویزیون، کسانی چون مهرداد صدیقیان و نیلوفر امینی‌فر و علی ضیا که هرگز یک خط و یک کلمه در مورد چیزی موضع نگرفته‌اند حالا برای دفاع از آبروی از دست‌رفته‌ی آزاده نامداری به میدان آمده‌اند و در روزهای آینده کسان بیشتری به این کمپین حافظان آبرو و حریم خصوصی افراد خواهند پیوست. حتا چهره‌ی امنیتی مشهوری چون وحید یامین‌پور هم تمام‌قد از نامداری دفاع کرده است. آنها البته هرگز به روی خودشان نخواهند آورد که حریم خصوصی افراد سال‌هاست که در جامعه‌ی ایران، از قضا با توسل به ترویج ایدئولوژیک الگوی آزاده نامداری و مانند او، نقض می‌شود. تبلیغ الگوی آزاده نامداری، که با شرکت فعال خود او از تمامی دستگاه‌های سیاسی/ایدئولوژیک حکومتی جریان دارد روی دیگر خشونت سرکوبگری است که در ون‌های گشت ارشاد هر آن کسی را که مانند آزاده نامداری نباشد توقیف می‌کند. آزاده نامداری بدون گشت ارشاد و گشت ارشاد بدون آزاده نامداری معنایی ندارند. تنها با توسل به الگوی نامداری است که متولیان گشت ارشاد می‌توانند ادعا کنند که خواهان به خانه بازگرداندن زنان نیستند و نمی‌خواهند جامعه را «زن‌زدایی» کنند. با این همه روشن است که قصد آنها کنترل بدن زنان است، با گشت ارشاد یا با آزاده نامداری و تمام آن چیزی که او ترویج می‌کند، همان چیزی که از دروس دوران آموزش ابتدایی آغاز می‌شود، در سریال‌ها و محصولات فرهنگی وابسته و تبلیغات تلویزیونی تحکیم می‌گردد و در خانم‌های قری و همسران موفق به عنوان تلقی مسلط از نقش اجتماعی زنان و کیان خانواده جا می‌افتد. دوران خانواده‌ی مقدس به روایت حکومت ایران اما پایان یافته است. چشم کبود آزاده نامداری و کشف حجاب او در اروپا نشان می‌دهد بنیان خانواده‌ی ایرانی/اسلامی از سال‌ها پیش فرو ریخته است.

منڙپوڻ
Manjanigh

